

## تروریسم ابزاری برای اشغال افغانستان

دکتر علی واحدی \*

دنیای اسلام از جنایات آمریکا در افغانستان داغدار است

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی و ولی امر مسلمین جهان

بعد از وقوع حادثه یازدهم سپتامبر، آمریکا، با دستاویز قرار دادن شعار مقابله با تروریسم و تحت پوشش دموکراسی، سناریوی اسلام‌ستیزی، کشورگشایی و جنگ‌افروزی را برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ و، در نهایت، تک‌قطبی کردن جهان به مرحله اجرا گذاشت.

در حقیقت، آمریکا طرح عملی ساختن خاورمیانه بزرگ را به بهانه مقابله با القاعده و طالبان با اشغال نظامی افغانستان و عراق آغاز نمود و نخست کشور اسلامی و بی‌دفاع افغانستان را مدت ۳۵ روز مورد حملات گسترده هوایی و موشکی قرار داد که خسارات جبران‌ناپذیری بر زیرساختها و مراکز حیاتی آن — مانند بیمارستانها، کارخانجات، نیروگاهها، فرودگاهها، مراکز آموزشی و مناطق مسکونی — وارد آمد و متأسفانه منجر به

کشتار عده زیادی از غیرنظامیان همراه با افزایش قحطی، فقر و بیماری در بین مردم محروم و بی‌دفاع افغانستان و منطقه شد. ادعای آمریکا در مورد مقابله با تروریسم طالبانی دور از واقعیت بود؛ زیرا اظهارات صریح نخست‌وزیر سابق پاکستان خانم بوتو اعترافات مسئولین سابق سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) و آقای بابر وزیر کشور دولت بوتو — در مورد اینکه آمریکا مسبب اصلی تشکیل طالبان جهت جایگزین ساختن دولت اسلامی مجاهدین بوده است — می‌طلبد به این معما پاسخ داده شود که چرا آمریکا ۱۸۰ درجه تغییر سیاست داده و اقدام به ساقط کردن طالبان از اریکه قدرت افغانستان می‌کند. در جواب باید گفت:

نخست اینکه تاریخ مصرف طالبان از نظر آمریکا به پایان رسیده بود. ثانیاً، آمریکا برای اجرای طرح خاورمیانه بزرگ نیاز به حضور مستقیم نظامی در سرزمین افغانستان داشت. ثالثاً، ایجاد پایگاههای نظامی دائمی در نقاط سوق‌الجیشی و استراتژیک افغانستان لازم بود.

اما عمده اهداف آمریکا از اشغال افغانستان:

۱. ایجاد تقویت پایگاههای نظامی در منطقه آسیای میانه؛
۲. مقابله جدی و مستقیم با اهداف انقلاب اسلامی ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام؛
۳. به خطر انداختن امنیت جهان اسلام؛
۴. خارج کردن اسرائیل از کانون توجهات و محافل خبری؛
۵. شعله‌ور کردن بحران در خاورمیانه؛
۶. نمایش قدرت و وانمود کردن اینکه کسی توان مقابله و ستیز با آمریکا را ندارد؛
۷. تسلط بیشتر بر خلیج فارس و کشورهای این حوزه؛
۸. دسترسی به منابع نفتی و استراتژیک دریای خزر و کشورهای آسیای میانه؛
۹. تثبیت وضعیت متزلزل اسرائیل و بایکوت کردن ملت مسلمان و مبارز فلسطین؛
۱۰. آزمایش ادوات و فن‌آوریهای جدید نظامی (بمبهای هوشمند و تسلیحات بسیار پیشرفته)؛

۱۱. تغییر ژئوپلیتیک وسیعی از آسیا و خاورمیانه در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛

۱۲. غارت نمودن منابع غنی، طبیعی و دست‌نخورده افغانستان؛

پس با مشخص شدن اهداف آمریکا از حمله نظامی به افغانستان، ساقط کردن طالبان برای آمریکا امتیاز خاص به حساب نمی‌آید؛ بلکه یک ترفند گمراه‌کننده برای مردم افغانستان و جهان است. بنابراین، منطق آمریکا برای حمله به افغانستان هیچ کس را در دنیا قانع نکرد و حتی سیاستمداران آمریکا تصریح کردند که قانع نشدند. پس اصرار آمریکا در تداوم حضور نظامی‌اش پس از چندین انتخابات آزاد و مردمی و تدوین قانون اساسی، شکل‌گیری دولت قانون افغانستان و تشکیل پارلمان و مجلس سنا مطابق موافقتنامه بن و منشور جهانی و بین‌المللی خودبه‌خود به منزله اشغال افغانستان محسوب می‌شود.

آیا این درست است که با بودن ارتش ملی افغانستان، پایگاه‌های هوایی و نقاط استراتژیک نظامی آن در کنترل افسران نظامی آمریکا و همپیمان غربی‌اش ناتو باشد تا جایی که افسران ارشد افغانستان به عنوان ابزار و نیروی بدون اراده در خدمت مستشاران نظامی بیگانه مثل آمریکا، انگلیس و سایر کشورهای غربی و اروپایی باشند؟ از این جهت، مردم دین‌مدار و استقلال‌طلب افغانستان اکنون احساس می‌کنند که حقوق آنها حتی در کشور خودشان، تضییع می‌شود و به نحوی گرفتار کاپیتولاسیون آمریکا و ناتو شده‌اند.

اکنون بزرگ‌ترین چالش در راه توفیق دولت اسلامی افغانستان حضور اجباری اشغالگران آمریکا و ناتو و دخالت‌های آنان در امور داخلی افغانستان است که امکان فعالیت و کارایی را در قسمت توسعه، بازسازی، ایجاد امنیت و رسیدگی به مشکلات مردم از مسئولان و کارمندان دولت سلب کرده است.

به‌رغم تبعات منفی حضور اشغالگران بر روند بهبود بحران افغانستان، خانم رایس وزیر خارجه آمریکا با نهایت احساس پیروزی اعلام می‌دارد که افغانستان طی چهار سال گذشته به پیشرفتهای چشمگیری در عرصه‌های مختلف دست‌یافته است؛ حال آنکه اظهارات ناراحت‌کننده اخیر آقای کرزای رئیس جمهوری افغانستان از عملیات نظامی

اشغالگران، که منجر به کشتار زنان و اطفال بیگناه افغانی گردید، و همچنین اعترافات مسئولان دولت از نابسامانیهای موجود ادعای خانم رایس را کاملاً نقض می‌کند. لازم می‌دانم ذیلاً توجه شما عزیزان را به ارقام ارائه شده از جانب مسئولان دولت افغانستان جلب کنم:

کشوری که فقط ۲۲ درصد مردم آن به خدمات بهداشتی و درمانی دسترسی داشته باشند و روزانه هفتاد مادر و ۷ کودک زیر ۵ سال به علت بیماری جان خود را از دست دهند و کشوری که فقط ۴۰ درصد مردم آن غذای کافی برای خوردن داشته باشند؛ و کشوری که ۷۱ درصد آن زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ کشوری که مردم آن در پایتخت آن از نبود و کمبود آب آشامیدنی بهداشتی و برق و سوخت دچار مشکل و عذاب‌اند؛ کشوری که هنوز اکثر خانواده‌های جنگزده و آواره آن در خانه‌های مخروبه و ویرانه‌های زمان جنگ و یا در سرمای شدید زیر چادر زندگی می‌کنند؛ مردمی که در هیچ نقطه‌ای از کشورشان به علت عملیات نظامی اشغالگران، و یا به جهت عملیات چریکی گروه‌های مبارز با نظامیان بیگانه امنیت جانی و مالی را از آنان گرفته‌اند؛ کشوری که مردم مسلمان و متدین و شهید داده آن به علت شبیخون و تهاجم فرهنگی غرب هم از روشهای اعتقادی و مذهبی‌شان در معرض انحراف و توهین قرار گرفته‌اند و مردمی که هفت میلیون کودکان آنان از رفتن به مدرسه محروم‌اند، آیا با بودن این همه محرومیتها، مشکلات و مصیبتها منصفانه است که گفته شود کشور اشغال شده افغانستان در سایه حضور اشغالگران به پیشرفتهای چشمگیری دست یافته است؟

پس باید به رئیس‌جمهوری ایالات متحده آمریکا گفته شود که اگر در گفتار خود صداقت دارید و واقعاً خوشبختی و آرامش ملت افغانستان را می‌خواهید و برای مردم مسلمان و محروم افغانستان احترام قایل هستید و نمی‌خواهید حقوق آنان به دست نظامیان اشغالگر پایمال شود و موانع عمده از پیش روی دولت اسلامی افغانستان برداشته شود و رئیس‌جمهور منتخب مردم استقلال عمل و توفیق خدمت واقعی را به مردم افغانستان پیدا کند لاقلاً پایبند بودن خود را به دموکراسی با انجام دادن این موارد به جهانیان نشان بدهید:

۱. هزینه‌های چند میلیارد دلاری‌ای را که سالانه صرف نیروهای نظامی و اطلاعات آمریکا در افغانستان برای حفظ و دستیابی به منافع نامشروع آمریکا می‌شود. به عمران، توسعه و بازسازی زیرساختهای مراکز حیاتی افغانسان و رفع نیازها و مشکلات اولیه و روزمره اختصاص بدهید.

۲. با خارج کردن نیروهای نظامی آمریکا و ناتو از افغانستان، اداره امور را به دولت منتخب مردم و پارلمان قانونی این کشور واگذار کنید.

فقط با قطع مداخلات بیگانگان در امور داخلی افغانستان صلح، آرامش و امنیت در کشور اسلامی افغانستان و منطقه برقرار خواهد شد. اما در صورت اصرار آمریکا به تداوم حضور نظامی‌اش در افغانستان به خاطر حفظ و دستیابی به منافع استعماری‌اش، آن هم با اعمال رویه نظامیگری - جنگ‌افروزی - خشونت‌طلبی به صورت قطعی و بنا به شواهد تاریخ سرنوشت آمریکا در افغانستان و منطقه به نحوی مانند سرنوشت اشغالگران انگلیس و شوروی سابق خواهد بود.

به هر حال، از مجموع حوادث و تحولات ماههای اخیر افغانستان چنین برمی‌آید که باتلاق افغانستان نیز مانند باتلاق کشورهای اسلامی عراق، فلسطین و لبنان برای اشغالگران در حال عمیق‌تر شدن است، باتلاقی که هر روز مداخله‌گران بیگانه را بیش از پیش در خود فرو می‌برد.

به هر صورت روند، تحولات جهان اسلام نشان‌دهنده این واقعیت است که اصرار آمریکا و ناتو با روش اعمال کاپیتولاسیون ویژه اشغالگران هرچه بیشتر بر فرو غلتیدن آنان در باتلاق افغانستان و عراق منجر خواهد شد، واقعیتی که قطعاً دوران انحطاط ابرقدرتی به نام آمریکا را به همه ملتهای تحت ستم نوید می‌دهد. در حقیقت جهان باید شاهد تحقق این عبارت ملکوتی رهبر فقید جهان اسلام حضرت امام خمینی (ره) باشد که با صراحت اعلام داشتند: مسلمانان و مستضعفان تحت سلطه ستمگران، بپاخیزید و دست اتحاد به هم دهید و از اسلام و مقدرات خود دفاع کنید و از هیاهوی قدرتمندان نهراسید که این قرن به خواست خداوند قادر قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و حق بر باطل است، ان شاء الله؛ به امید چنین روزی. والسلام علی عبادالله الصالحین.

